



معانی مجازی در قرآن مجید (بخش سوم) بعقوب جعفری

اشاره

در شماره پیشین، بعد از تقسیم مجاز به لفظی و عقلی، در مورد مجاز لفظی سخن گفتیم و قرار شد که در میان انواع مجاز لفظی گونه‌های ویژه آن را مورد بحث قرار دهیم و نمونه‌هایی از آیات قرآن را بیاوریم. در آن شماره از مجله درباره استعمال مصدر به جای صفت بحث شد و اینک ادامه مطلب...

۲. استعمال خبر در انشاء

گونه دیگری از مجاز لفظی که در قرآن و حدیث فراوان به کار رفته است کاربرد جمله خبری به جای جمله انشایی است. به طوری که می‌دانیم جمله خبریه جمله‌ای است که در آن از وقوع یک حادثه در گذشته یا حال یا آینده خبر داده می‌شود و احتمال صدق و کذب در آن وجود دارد، یعنی ممکن است آن حادثه واقع شده باشد یا واقع نشده باشد، ولی جمله انشاییه جمله‌ای است که در آن وقوع یا عدم وقوع یک حادثه مورد توجه نیست، بلکه بیشتر برای طلب یا تمنی و مانند آنهاست و گوینده از مخاطب نمی‌خواهد که فلان کار را بکند یا نکند.^۱ معمولاً در مقام تشریح یک حکم، جمله انشایی به کار می‌رود؛ مثلاً خداوند به انجام یافتن و یا نیافتن چیزی به صورت امر و نهی فرمان می‌دهد؛ به صورت امر مانند: **وَ أَقِمُوا الصَّلَاةَ وَ اتُوا الزَّكَاةَ وَ ارْزُقُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ** (بقره، ۴۳)، **وَ أَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزَانَ** (انعام، ۱۵۲) **جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَ**

۱. برای تعریف خبر و انشاء رجوع شود به: یحیی بن حمزه علوی، الطراز لأسرار البلاغة، ج ۱، ص ۳۵.

أَلْمُنَافِقِينَ (توبه، ۷۳) و به صورت نهی مانند: وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ (انعام، ۱۵۲) لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بِالْبُطْغِ (آل عمران، ۱۳۰) وَلَا يَعْتَبِ بَعْضُكُمْ بَعْضًا (حجرات، ۱۲) و نظیر اینها. این یک شیوه معمول در مقام تشریح است. اما گاهی یک جمله خبری که در آن امر و نهی وجود ندارد به کار می‌رود، ولی منظور از آن امر و نهی است و این همان استعمال خبر به جای انشاء و یکی از موارد استفاده از مجاز است، به این گونه که لفظ جمله خبری است ولی به صورت مجاز معنای انشاء می‌دهد.

یکی از مصادیق بارز استعمال خبر به معنای انشاء، الفاظی است که در عقود و ایقاعات به کار می‌رود و به آنها «صیغ العقود» می‌گویند؛ مانند: لفظ «انکحت» و «بعت» که به ظاهر حالت خبر دارند ولی در مقام خواندن عقد، به معنای انشاء اند البته در این گونه موارد انشاء به معنای ایجاد است و حالت طلب ندارد ولی می‌دانیم که انشاء انواع و اقسامی دارد؛ مانند طلب، تمنی، ترجی، دعا و غیر اینها.

به کار بردن خبر به جای انشاء در ادبیات عربی فراوان دیده می‌شود و در قرآن کریم هم در آیات متعددی این شیوه به کار رفته است و ما بعضی از آنها را به عنوان نمونه خواهیم آورد. حال باید دید که انگیزه متکلم از اینکه در کلام خود، از این شیوه استفاده می‌کند چیست؟ گفته شده که این کار برای تأکید و مبالغه و دوام و استمرار است، به این معنا که متکلم آن‌چنان به موضوع عنایت دارد که فرض را بر این می‌گیرد که مخاطب، طلب او را برآورده و متلبس به آن فعل مطلوب شده است. به سخن مرحوم سبزواری «این شیوه در مقام طلب و ایجاب رساتر از انشاء است، چون ظاهر کلام این است که فعل مطلوب واقع شده به گونه‌ای که یکی از کارهای روزمره مخاطب شده است و چنین معنایی از صیغه امر به دست نمی‌آید»^۱.

این توجیه خوبی است، ولی ما در این باره نظر خاصی داریم که پس از ذکر نمونه‌هایی از آیات قرآنی آن را بیان خواهیم کرد.

مفسران در ذیل آیات متعددی تصریح کرده‌اند که این جمله که جمله خبری است دلالت بر انشاء و طلب می‌کند، از جمله آنها آیات یاد شده در زیر را به عنوان نمونه ذکر می‌کنیم:

۱. وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهََ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَ

۱. سید عبدالاعلی سبزواری، مواهب الرحمن، ج ۴، ص ۱۶.

□ ۶۵ معانی مجازی در قرآن مجید

اَلْمَسَاكِينِ وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَاَقِمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ (بقره، ۸۳)

و هنگامی که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خدا را پرستش نمی‌کنید و به پدر و مادر و خویشاوندان و یتیمان و بینوایان نیکی کنید و به مردم سخن نیکو بگویید و نماز را به پا دارید و زکات را بپردازید.

در این آیه جمله «لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ» یک جمله خبری است و «لَا تَعْبُدُونَ» نهی نیست چون اگر برای نهی بود، باید نون آخر آن حذف می‌شد هر چند که در برخی از قرائات بدون نون و به صورت نهی خوانده شده است.^۱

طبق قرائت مشهور در این آیه خبر به جای انشاء به کار رفته و «لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ» به معنای «لا تعبدوا إِلَّا اللَّهَ» است. همچنین در این آیه «بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْأَيْمَامِ وَ اَلْمَسَاكِينِ»^۲ خبر به معنای امر است، و لذا در ادامه آیه، امرهای صریحی به این جمله عطف شده است، مانند: «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَ أَقِمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ...»

۲. اَلْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَ لَا فُسُوقَ وَ لَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ (بقره،

۱۹۷)

حج در ماه‌های معینی است؛ پس هر کس در آن ماه‌ها حج به جای آورد، آمیزش با زنان و گناه و ستیز در حج نباشد.

در این آیه از کسی که مناسک حج به جای می‌آورد «رفث» و «فسوق» و «جدال» نفی شده و جمله جمله خبری است، و اگر آن را به همان معنای خبری بگیریم معنایش این است که شخص در حال انجام حج هیچ وقت این سه کار را نمی‌کند و اگر چنین معنا کنیم، خلاف واقع خواهد شد، چون بدون شک از بعضی از چنین کسانی یک یا همه این سه کار صادر می‌شود. پس معلوم است که در اینجا خبر به معنای انشاء است و از ارتکاب این سه چیز نهی می‌کند. این مطلب را بیشتر مفسران گفته‌اند و در آن تردید نکرده‌اند، اما ابن عربی آن را نمی‌پذیرد و می‌گوید: این آیه از قبیل خبر به معنای انشاء نیست، بلکه برای نفی مشروعیت این اعمال

۱. قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۲، ص ۱۲.

۲. در ترکیب این جمله از آیه شریفه و جوهی گفته شده از جمله اینکه در تقدیر «واحسنوا احسانا» است. در این صورت از قبیل امر صریح خواهد شد، ولی ابوحنیف ابن وجه را رد می‌کند و می‌گوید: متعلق «بالوالدین» همان «احسانا» است و در اینجا مصدر به معنای امر و از باب استعمال خبر در انشاء است. البحر المحیط، ج ۱، ص ۴۵۹.

است.^۱ منظور ابن عربی این است که آیه از این مطلب خبر می‌دهد که این سه عمل در حج هیچ وقت به صورت مشروع اتفاق نمی‌افتد و اگر اتفاق افتد خلاف شرع است. ابن عربی پس از این بیان، با افتخار می‌گوید: این نکته که من گفتم در واقع گنجی است که علما به آن دست نیافته‌اند و گفته‌اند خبر به معنای انشاء است، در حالی که استعمال خبر در نهی دیده نشده است.^۲

این سخن ابن عربی، سخن دقیقی نیست، چون اولاً در میان این سه چیز، حداقل یکی از آنها هیچ‌گاه حتی در غیر حج هم مشروع نیست و آن «فسوق» است. اگر منظور آیه آن باشد که ابن عربی می‌گوید، پس باید گفت فسوق دو نوع است، فسوق مشروع و فسوق غیر مشروع! ثانیاً اینکه ایشان گفته که خبر در نهی استعمال نمی‌شود، درست نیست و امر و نهی در این جهت تفاوتی با یکدیگر ندارند، یک مثال آن همان آیه قبلی «لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ» است که خبر در آن به معنای نهی است.

۳. وَ أَلْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ (بقره، ۲۳۳)

و مادران، فرزندان خود را دو سال تمام شیر دهند.

در این آیه هرچند ساختار جمله به صورت یک جمله خبری است، ولی بدون شک منظور از آن تشریح و انشای یک حکم است، چون اگر جمله را خبری بگیریم و چنین معنا کنیم که مادران کودکان خود را دو سال کامل شیر می‌دهند، این بر خلاف واقع است، زیرا بسیاری از مادران دو سال کامل به فرزندانشان شیر نمی‌دهند بلکه گاهی چند ماه و یا یک سال و کمتر و بیشتر به آنها شیر می‌دهند. و لذا مفسران گفته‌اند که این جمله به معنای انشاء است و باید آن را چنین معنا کنیم که مادران فرزندانشان را دو سال کامل شیر دهند. بنابراین خبر به معنای امر است، هرچند که این امر یک امر استحبابی و یا برای اثبات حق مادر برای استرضاع و حق حضانت او و یا حق کودک نسبت به مادرش باشد.

به نظر می‌رسد که منظور از «الوالدات» در این آیه مادرانی هستند که از شوهران خود طلاق گرفته‌اند. طبق این آیه آنها نباید به بهانه جدایی از شوهر، از شیردادن به بچه سر باز زنند. البته طبق آیه «فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَارْحَمْنَ أَوْلَادَهُنَّ» (طلاق، ۶) می‌توانند از پدر بچه اجرت

۱. ابن عربی، احکام القرآن، ج ۱، ص ۱۳۴.

۲. همان.

□ ۶۷ معانی مجازی در قرآن مجید

بگیرند. اینکه گفتیم منظور زنان طلاق داده شده‌اند، بدان جهت است که این آیه در ردیف آیات طلاق آمده و در واقع تکمیل کننده احکام طلاق است و لذا از آنها به عنوان «الوالدات» و از پدران به عنوان «مولود له» یاد شده است و سخن از زوج و زوجه نیست.^۱

۴. وَ الْمُطَلَّاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ (بقره، ۲۲۸)

و زنان طلاق داده شده تا سه بار پاک شدن (از عادت ماهانه) انتظار بکشند.

این آیه هم مانند آیه قبلی ساختار خبری دارد ولی قطعاً به معنای انشاء و مربوط به عده طلاق است. طبق این آیه، زن طلاق داده شده پس از طلاق به مدت پاک شدن از سه بار حیض که حدود سه ماه می‌شود باید عده نگه دارد که احکام مخصوصی دارد.

با اینکه اکثریت قریب به اتفاق مفسران و فقها گفته‌اند که در این آیه خبر به معنای انشاء است، ابن عربی طبق مبنای خود که در ذیل آیه «لَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ» نقل کردیم، در این آیه هم همان مبنا را دارد و می‌گوید: سخن کسانی که خبر را در این آیه به معنای امر گرفته‌اند باطل است، بلکه این آیه از حکم شرعی خبر می‌دهد و طبق آن اگر زن مطلقه‌ای این انتظار را نکشد کار غیر مشروع کرده است.^۲

می‌گوییم: اگر پیش از نزول این آیه، این حکم در جای دیگری به صورت انشاء گفته شده بود، سخن ابن عربی قابل قبول بود، ولی چنین چیزی اتفاق نیفتاده و حکم الهی در این باره برای اولین بار در همین آیه آمده است و ما باید آن را به عنوان تشریح و انشای حکم بگیریم، مگر اینکه بگوییم قبلاً تشریح شده ولی به دست ما نرسیده است.

۵. فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا (آل عمران، ۹۷)

در آن (مکه) نشانه‌هایی آشکار (از جمله) مقام ابراهیم قرار دارد و هر کس وارد آن شود در امان است.

در این آیه، جمله «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا» از قبیل خبر به معنای انشاء است و نمی‌توان آن را به معنای خبر گرفت چون می‌دانیم که در طول تاریخ بوده‌اند کسانی که وارد مکه و حتی مسجد الحرام شده‌اند و مورد حمله قرار گرفته‌اند و امنیت آنها نقض شده است. بنابراین معنای خبری برای این جمله خلاف واقعیت است و لذا می‌گوییم این جمله معنای انشاء و تشریح

۱. برای تفصیل مطلب رجوع شود به: تفسیر کوثر، ج ۱، ص ۵۴۹ از این قلم.

۲. ابن عربی، احکام القرآن، ج ۱، ص ۱۸۶.

می‌دهد؛ یعنی حکم الهی این است که هر کس حتی اگر مجرم باشد به مسجد الحرام وارد شود، کسی حق ندارد متعرض او بشود و او تا وقتی که در آنجاست مصونیت و امنیت دارد. در کتب فقهی این مسئله به تفصیل بحث شده است که مجرم حتی قاتل وقتی وارد مسجد الحرام شد، نمی‌توان در آنجا متعرض او شد بلکه باید او را محاصره کرد به گونه‌ای که دسترسی به آب و غذا نداشته باشد تا مجبور شود بیرون بیاید و پس از بیرون آمدن دستگیر شود.^۱

البته این آیه را می‌توان به عنوان اجابت دعای حضرت ابراهیم دانست که گفت: «رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا» (ابراهیم، ۳۵) ولی در هر حال معنای انشایی دارد.

۶. إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ. فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ. لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ (واقع، ۷۷-۷۹)

همانا این قرآنی است ارجمند در کتابی نهفته که جز پاکان آن را لمس نکنند. در این آیه، جمله «لا یمسه الا المطهرون» از نظر ساختار، جمله خبری است و اگر معنای ظاهری آیه را در نظر بگیریم که منظور دست زدن به خط مصحف است، این جمله حالت انشایی دارد، یعنی نباید بدون طهارت به خط مصحف دست زد.

بسیاری از مفسران و فقهای ما برای حرمت مس کتابت قرآن بدون داشتن غسل و وضو به این آیه استدلال کرده‌اند و حدیثی هم در این باره از امام کاظم (ع) نقل شده که این آیه را شاهد همین مسئله دانسته است.^۲ شیخ طوسی در تیان گفته است: نزد ما ضمیر «لا یمسه» مربوط به قرآن است.^۳ و طبرسی در مجمع البیان پس از تکرار همین سخن اضافه کرده که: بنابراین کسی که غسل و وضو ندارد نمی‌تواند خط قرآن را مس کند.

همچنین از فقهای بزرگ شیعه که این آیه را یک حکم انشایی گرفته‌اند و برای اثبات عدم جواز مس کتابت قرآن برای کسی که وضو ندارد به آن استدلال کرده‌اند، می‌توان از شیخ طوسی در الخلاف، علامه در تذکره، صاحب جواهر، کرکی و بحرانی یاد کرد.^۴

در مقابل اینها، برخی از مفسران و فقها، آیه شریفه را مربوط به این حکم شرعی ندانسته و تفسیرهای دیگری ارائه کرده‌اند که از جمله آنها این است که منظور از «مطهرون» در آیه

۱. فاضل مقداد، کنز العرفان، ج ۱، ص ۲۶۳.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۸۴. البته برخی از فقها، این روایت را از نظر سند ضعیف دانسته‌اند.

۳. التیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۵۱۰.

۴. الخلاف، ج ۱، ص ۹۹؛ علامه حلی، تذکره الفقها، ج ۱، ص ۱۳۴؛ جواهر الکلام، ج ۲، ص ۳۴۵؛ کرکی، جامع المقاصد، ج

۱، ص ۲۵۸؛ بحرانی، الحدائق، ج ۲، ص ۱۲۸.

□ ۶۹ معانی مجازی در قرآن مجید

شریفه پیامبر (ص) و معصومین (ع) هستند و منظور از مس، درک حقیقت معناست. شیخ بهایی می‌گوید: استدلال به آیه «لَا يَمْسُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» برای لزوم طهارت در مس خط قرآن، مبتنی بر اثبات سه چیز است: اول اینکه ضمیر «لَا يَمْسُهُ» به قرآن برگردد نه «کتاب مکنون» که نزدیک‌تر است. دوم اینکه جمله خبری را به معنای انشاء بگیریم. سوم اینکه منظور از مطهرون دارندگان طهارت شرعی از حدث بزرگ و کوچک باشد و اثبات اینها خالی از اشکال نیست^۱

مرحوم آیه الله خویی در بحث از مسئله مس کتابت قرآن گفته: از این آیه حکم مسئله استفاده نمی‌شود چون «مطهرون» غیر از متطهرون است و مطهرون همان پاکان و معصومین (ع) هستند.^۲

ما در اینجا در مقام نفی و اثبات نظریه خاصی نیستیم، ولی اگر این آیه را مربوط به آن مسئله شرعی بدانیم، همان گونه که بیشتر فقها چنین نظر داده‌اند، بدون شک خبر به معنای انشاء است.

این بود نمونه‌هایی از آیاتی که در آنها به گفته مفسران جمله خبری به معنای انشاء به کار رفته است.

به نظر می‌رسد که در بیشتر این موارد در حقیقت از وجود یک انشای قبلی خبر داده می‌شود، یعنی چنین نیست که حکمی برای اولین بار با این جمله انشاء شده باشد، بلکه قبلاً این حکم با لفظ دیگری تشریح شده و در این جمله از فرهنگ حاکم بر مسلمانان که به آن حکم عمل می‌کنند، خبر می‌دهد با این پیام که مسلمانان حتماً این حکم را عمل می‌کنند یا شایسته آنهاست که عمل کنند.

مثلاً در همان نمونه اول که ذکر کردیم، جمله «لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ» را که یک جمله خبری است به معنای انشاء گرفته‌اند. حال می‌گوییم ممکن است این جمله واقعاً به معنای خبری باشد که از یک انشای قبلی خبر می‌دهد و آن جمله «اعبدوا الله» است. یا بعضی از مفسران آیه «فَمَنْ أَتَّبِعْ هَذَا؟ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» را خبر به معنای انشاء گرفته و گفته‌اند «لا خوف عليهم و لا هم يحزنون» به معنای لا تخافوا و لا تحزنوا است، در حالی که می‌دانیم این

۱. شیخ بهایی، الحبل المتین، ص ۲۰۳.

۲. آیه الله خویی، الطهارة، ج ۱۲، ص ۳۱۹.

□ ۷۰ ترجمان وحی

فرمان در آیات دیگر به صورت انشاء و طلب آمده است، مانند: «أَلَّا تَخَافُوا وَ لَا تَحْزَنُوا» (فصلت، ۳۰) با توجه به این جمله انشایی می‌توان آن جمله را نه به معنای انشاء بلکه به معنای خبر دادن از انشای قبلی دانست و پیام قرآن هم این است که شایسته است مؤمن به آن فرمان عمل کند.

در عین حال می‌توان گفت که در همه این موارد خبر به معنای انشاء است که گاهی به معنای انشاء به معنای جعل و تشریح حکم، و گاهی انشاء به معنای ترجیح و تمنی است؛ یعنی در این آیات، جمله حالت خبری ندارد که از وقوع حادثه‌ای خبر بدهد. چون در آن صورت مفهوم جمله‌ها با توجه به واقع نادرست خواهد بود، مثلاً وقتی گفته می‌شود «فَلَا زَفَّتْ وَ لَا فُسُوقٌ وَ لَا جِدَالٌ فِي الْحَجِّ» بدون شک منظور گزارش خبری نیست چون معلوم است که بعضی از مردم در همان حج مرتکب فسق می‌شوند بلکه هدف این است که با توجه به احکامی که وجود دارد شایسته نیست که چنین باشد.

بنابراین در قرآن کریم در موارد متعددی جمله خبری به معنای جمله انشایی به کار رفته است و این یک نوع معنای مجازی است و از زیبایی‌های کلام به شمار می‌رود، ولی اینکه در همه آن موارد، انشاء را به معنای تشریح بگیریم جای تأمل است بلکه در برخی از آن موارد معانی دیگر انشاء مورد توجه است.

